

بسم الله الرحمن الرحيم

خطبتها عليها السلام بعد غصب الفدك

روي أنه لما أجمع أبو بكر و عمر على منع فاطمة عليها السلام فدكاً و بلغها ذلك، لاثت خمارها على رأسها، و اشتملت بجلبابها، و أقبلت في لمة من حفدتها و نساء قومها، تطأ ذبولها، ما تخرم مشيتها مشية رسول الله صلى الله عليه و آله، حتى دخلت على أبي بكر، و هو في حشد من المهاجرين و الانصار و غير هم، فنيطت دونها ملاءة فجلست، ثم أتت أنه أجهش القوم لها بالبكاء، فارتج المجلس، ثم أمهلت هنيهة.

حتى اذا سكن نسيج القوم و هدأت فورتهم، افتتحت الكلام بحمد الله و الثناء عليه و الصلاة على رسوله، فعاد القوم في بكائهم، فلما أمسكوا عادت في كلامها فقالت عليها السلام:

الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَنْعَمَ، وَ لَهُ الشُّكْرُ عَلَى مَا أَلْهَمَ، وَ الشُّنَاءُ بِمَا قَدَّمَ، مِنْ عُمُومٍ نَعَمٍ ابْتَدَأَهَا، وَ سُبُوحِ الْإِلَهِ اسْتَدَاهَا، وَ تَمَامِ مَنِّهِ أَوْلَاهَا، جَمَّ عَنِ الْأَحْصَاءِ عَدْدُهَا، وَ نَأَى عَنِ الْجَزَاءِ أَمْدُهَا، وَ تَفَاوُتَ عَنِ الْأَذْرَاكِ أَبْدُهَا، وَ نَدْبَهُمْ لِاسْتِرَادَتِهَا بِالشُّكْرِ لِاتِّصَالِهَا، وَ اسْتِحْمَدَ إِلَيَّ الْخَلَائِقُ بِاجْزَالِهَا، وَ تَنَى بِالنَّدْبِ إِلَيَّ أَمْثَالَهَا.

خطبه آن حضرت بعد از غصب فدک

روایت شده: هنگامی که ابوبکر و عمر تصمیم گرفتند فدک را از حضرت فاطمه علیها السلام بگیرند و این خبر به ایشان رسید، لباس بتن کرده و چادر بر سر نهاد، و با گروهی از زنان فامیل و فدمتکاران خود بسوی مسجد روانه شد، در مالیکه چادرش به زمین کشیده می شد، و راه رفتن او همانند راه رفتن پیامبر خدا بود، بر ابوبکر که در میان عدای از مهاجرین و انصار و غیر آنان نشسته بود وارد شد، در این هنگام بین او و دیگران پردهای آویفتند، آنگاه ناله‌ای جانسوز از دل برآورد که همه مردم بگریه افتادند و مجلس و مسجد بسفتی به جنبش درآمد. سپس لمظه‌ای سکوت کرد تا مهممه مردم فاموش و گریه آنان ساکت شد و جوش و فروش ایشان آرام یافت، آنگاه کلامش را با حمد و ثنای الهی آغاز فرمود و درود بر رسول خدا فرستاد، در اینجا دوباره صدای گریه مردم برافست، وقتی سکوت برقرار شد، کلام فویش را دنبال کرد و فرمود:

حمد و سپاس فدای را بر آنچه ارزانی داشت، و شکر او را در آنچه الهام فرمود، و ثنا و شکر بر او بر آنچه پیش فرستاد، از نعمتهای فراوانی که فلق فرمود و عطایای گسترده‌ای که اعطا کرد، و منتتهای بی شماری که ارزانی داشت، که شمارش از شمردن آنها عاجز، و نهایت آن از پاداش فراتر، و دامنه آن تا ابد از ادراک دورتر است، و مردمان را فرامواند، تا با شکرگذاری آنها نعمتها را زیاده گرداند، و با گستردگی آنها مردم را به سپاسگزاری خود متوجه سافت، و با دعوت نمودن به این نعمتها آنها را دو پندان کرد.

وَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ خَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، كَلِمَةً جَعَلَ الْإِخْلَاصَ تَأْوِيلَهَا، وَ ضَمَّنَ الْقُلُوبَ مَوْصُولَهَا، وَ أَنْارَ فِي التَّفَكُّرِ مَعْقُولَهَا، الْمُمْتَنِعَ عَنِ الْأَبْصَارِ رُؤْيَيْتَهُ، وَ مِنَ الْأَلْسُنِ صِفَتَهُ، وَ مِنَ الْأَوْهَامِ كَيْفِيَّتَهُ. ابْتَدَعَ الْأَشْيَاءَ لَا مِنْ شَيْءٍ كَانَ قَبْلَهَا، وَ أَنْشَأَهَا بِإِلْحَادِهَا أَمْثَلَهُ امْتَثَلَهَا، كَوْنَهَا بِقُدْرَتِهِ وَ ذَرَأَهَا بِمَشِيَّتِهِ، مِنْ غَيْرِ حَاجَةٍ مِنْهُ إِلَيَّ تَكْوِينَهَا، وَ لَا فَايِدَةَ لَهُ فِي تَصَوُّرِهَا، إِلَّا تَثْبِيثًا لِحُكْمَتِهِ وَ تَنْبِيهًا عَلَى طَاعَتِهِ، وَ إِظْهَارًا لِقُدْرَتِهِ وَ تَعْبُدًا لِبَرِيَّتِهِ، وَ اعْزَازًا لِدَعْوَتِهِ، ثُمَّ جَعَلَ الثَّوَابَ عَلَى طَاعَتِهِ، وَ وَضَعَ الْعِقَابَ عَلَى مَعْصِيَتِهِ، زِيَادَةً لِعِبَادِهِ مِنْ نِعْمَتِهِ وَ حَيَاشَةَ لَهُمْ إِلَيَّ جَنَّتِهِ. وَ أَشْهَدُ أَنَّ أَبِي مُحَمَّدًا عَبْدَهُ وَ رَسُولَهُ، اخْتَارَهُ قَبْلَ أَنْ أَرْسَلَهُ، وَ سَمَّاهُ قَبْلَ أَنْ اجْتَبَاهُ، وَ اصْطَفَاهُ قَبْلَ أَنْ ابْتَعَنَهُ، إِذِ الْخَلَائِقُ

بِالْغَيْبِ مَكْنُونَةً، وَبَسْتِرِ الْأَهْوِيلِ مَصُونَةً، وَبِنَهَائِهِ الْعَدَمِ مَقْرُونَةً، عَلِمًا مِنَ اللَّهِ تَعَالَى بِمَائِلِ الْأُمُورِ، وَاحِاطَةً بِخَوَادِثِ الدُّهُورِ، وَمَعْرِفَةً بِمَوَاقِعِ الْأُمُورِ.

و گواهی می‌دهم که معبودی جز خداوند نیست و شریکی ندارد، که این امر بزرگی است که اهلص را تأویل آن و قلوب را متضمن وصل آن ساخت، و در پیشگاه تفکر و اندیشه شناخت آن را آسان نمود، خداوندی که چشم‌ها از دیدنش بازمانده، و زبانها از وصفش ناتوان، و اوهام و خیالات از درک او عاجز می‌باشند.

موجودات را خلق فرمود بدون آنکه از ماده‌ای موجود شوند، و آنها را پدید آورد بدون آنکه از قالبی تبعیت کنند، آنها را به قدرت فویش ایجاد و به مشیتش پدید آورد، بی‌آنکه در ساختن آنها نیازی داشته و در تصویرگری آنها فائده‌ای برایش وجود داشته باشد، جز تثبیت مکتش و آگاهی بر طاعتش، و اظهار قدرت خود، و شناسائی راه عبودیت و گرامی داشت دعوتش، آنگاه بر طاعتش پاداش و بر معصیتش عقاب مقرر داشت، تا بندگانش را از نقمش بازدارد و آنان را بسوی بهشتش رهنمون گردد.

و گواهی می‌دهم که پدرم ممد بنده و فرستاده اوست، که قبل از فرستاده شدن او را انتخاب، و قبل از برگزیدن نام پیامبری بر او نهاد، و قبل از مبعوث شدن او را برانگیخت، آن هنگام که مخلوقات در مجاب غیبت بوده، و در نهایت تاریکی‌ها بسر برده، و در سر مد عدم و نیستی قرار داشتند، او را برانگیخت بفاطر علمش به عواقب کارها، و اطاعتش به حوادث زمان، و شناسائی کاملش به وقوع مقدرات.

ابْتَعَثَهُ اللَّهُ اِتِّمَامًا لِأَمْرِهِ، وَعَزِيمَةً عَلَيَّ امْتِصَاءِ حُكْمِهِ، وَانْفَادًا لِمَقَادِيرِ رَحْمَتِهِ، فَرَأَى الْأُمَّمَ فَرَقًا فِي أَدْيَانِهَا، عُكْفًا عَلَى نِيرَانِهَا، عَابِدَةً لِّأَوْثَانِهَا، مُنْكَرَةً لِلَّهِ مَعَ عِرْفَانِهَا.

فَانَارَ اللَّهُ بِأَبِي مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ظُلْمَهَا، وَكَشَفَ عَنِ الْقُلُوبِ بُهْمَهَا، وَجَلَّى عَنِ الْأَبْصَارِ غُمَمَهَا، وَقَامَ فِي النَّاسِ بِالْهِدَايَةِ، فَانْقَذَهُمْ مِنَ الْغَوَايَةِ، وَبَصَّرَهُمْ مِنَ الْعَمَايَةِ، وَهَدَاهُمْ إِلَى الدِّينِ الْقَوِيمِ، وَدَعَاهُمْ إِلَى الطَّرِيقِ الْمُسْتَقِيمِ. ثُمَّ قَبِضَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ قَبْضَ رَأْفَةٍ وَاخْتِيَارٍ، وَرَغْبَةٍ وَإِيثارٍ، فَمَحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ تَعَبِ هَذِهِ الدَّارِ فِي رَاحَةٍ، قَدْ خُفَّ بِالْمَلَأَنَكَةِ الْأَبْرَارِ وَرِضْوَانِ الرَّبِّ الْعَفَّارِ، وَمُجَاوَرَةِ الْمَلِكِ الْجَبَّارِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَى أَبِي نَبِيٍّ وَآمِينِهِ وَخَيْرَتِهِ مِنَ الْخَلْقِ وَصَفِيِّهِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

ثم التفت الي اهل المجلس و قالت:

أَنْتُمْ عِبَادَ اللَّهِ نُسِبُ أَمْرِهِ وَنَهْيِهِ، وَحَمَلَةُ دِينِهِ وَوَحْيِهِ، وَأَمْنَاءُ اللَّهِ عَلَيَّ أَنْفُسِكُمْ، وَبَلَاغَةُ إِلَيَّ الْأُمَّمِ، زَعِيمٌ حَقٌّ لَهُ

او را برانگیخت تا امرش را کامل و مکم قطعش را امضا و مقدراتش را اجرا نماید، و آن مضرت امته را دید که در آئینهای مختلفی قرار داشته، و در پیشگاه آتشی افروخته معتکف و بت‌های تراشیده شده را پرستنده، و خداوندی که شناخت آن در فطرتشان قرار دارد را منکرند.

پس فدای بزرگ بوسیله پدرم ممد صلی‌الله‌علیه‌وآله تاریکیهای آن را روشن، و مشکلات قلبیها را برطرف، و موانع رؤیت دیده‌ها را از میان برداشت، و با هدایت در میان مردم قیام کرده و آنان را از گمراهی (رهانید، و بینایشان کرده، و ایشان را به دین استوار و مکم رهنمون شده، و به راه راست دعوت نمود.

تا هنگامی که خداوند او را بسوی خود فراخواند، فراخواندنی از روی مهربانی و آزادی و رغبت و میل، پس آن مضرت از رنج این دنیا در آسایش بوده، و فرشتگان نیکوکار در گرداگرد او قرار داشته، و فشنودی پروردگار آمرزنده او را فراگرفته، و در جوار رحمت او قرار دارد، پس درود خدا بر پدرم، پیامبر و امینش و بهترین خلق و برگزیده‌اش باد، و سلام و رحمت و برکات الهی بر او باد.

آنگاه حضرت فاطمه علیها السلام رو به مردم کرده و فرمود:

شما ای بندگان خدا پرچمداران امر و نهی او، و حاملان دین و همی او، و امینهای خدا بر یکدیگر، و مبلغان او بسوی امتهایید، زمامدار حق در میان

فِيكُمْ، وَ عَهْدَ قَدَمِهِ إِلَيْكُمْ، وَ بَقِيَّةَ اسْتِخْلَافِهَا عَلَيْكُمْ: كِتَابُ اللَّهِ النَّاطِقُ وَ الْقُرْآنُ الصَّادِقُ، وَ النُّورُ السَّاطِعُ وَ الضِّيَاءُ اللَّامِعُ، بَيِّنَةٌ بَصَائِرُهُ، مُنْكَشَفَةٌ سَرَائِرُهُ، مُنْجَلِيَّةٌ ظَوَاهِرُهُ، مُغْتَبَطَةٌ بِهَ أَشْيَاعُهُ، قَائِدًا إِلَى الرِّضْوَانِ اتِّبَاعُهُ، مُؤَدِّ إِلَى النِّجَاةِ اسْتِمَاعُهُ. بِهِ تُنَالُ حُجَجُ اللَّهِ الْمُتَوَرِّةُ، وَ عَزَائِمُهُ الْمُفَسَّرَةُ، وَ مَحَارِمُهُ الْمُحَذَّرَةُ، وَ بَيِّنَاتُهُ الْجَالِيَّةُ، وَ بَرَاهِينُهُ الْكَافِيَّةُ، وَ فَضَائِلُهُ الْمُنْدُوبَةُ، وَ رُخْصَتُهُ الْمَوْهُوبَةُ، وَ شَرَائِعُهُ الْمَكْتُوبَةُ.

فَجَعَلَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيرًا لَكُمْ مِنَ الشَّرِكِ، وَ الصَّلَاةَ تَنْزِيهًا لَكُمْ عَنِ الْكَبِيرِ، وَ الزَّكَاةَ تَرْكِيَّةً لِلنَّفْسِ وَ نِمَاءً فِي الرِّزْقِ، وَ الصِّيَامَ تَنْبِيئًا لِلْإِخْلَاصِ، وَ الْحَجَّ تَشْيِيدًا لِلدِّينِ، وَ الْعَدْلَ تَنْسِيقًا لِلْقُلُوبِ، وَ طَاعَتَنَا نِظَامًا لِلْمَلَّةِ، وَ أَمَانًا لِلْفِرْقَةِ، وَ الْجِهَادَ عِزًّا لِلْإِسْلَامِ، وَ الصَّبْرَ مَعُونَةً عَلَى اسْتِجَابِ الْأَجْرِ. وَ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ مَصْلَحَةً لِلْعَامَّةِ، وَ بَرَّ الْوَالِدَيْنِ وَ قَائِيَةً مِنَ السَّخَطِ، وَ صَلَاةَ الْأَرْحَامِ مَنَسَاءً فِي الْعُمُرِ وَ مَنَمَاءً لِلْعَدَدِ، وَ الْقِصَاصَ حَقًّا لِلدَّمَاءِ، وَ الْوَفَاءَ بِالنَّذْرِ تَعْرِيزًا لِلْمَغْفِرَةِ، وَ تَوْفِيَةَ الْمَكَائِلِ وَ الْمَوَازِينَ تَغْيِيرًا لِلْبَخْسِ.

شما بوده، و پیمانی است که از پیشاپیش بسوی تو فرستاده، و باقیماندهای است که برای شما باقی گذارده، و آن کتاب گویای الهی و قرآن راستگو و نور فروزان و شعاع درفشان است، که بیان و محبتهای آن روشن، اسرار باطنی آن آشکار، ظواهر آن جلوه‌گر می‌باشد، پیروان آن مورد غیبه جهانیان بوده، و تبعیت از او فشنودی الهی را باعث می‌گردد، و شنیدن آن راه نجات است. بوسیله آن می‌توان به محبتهای نورانی الهی، و واجباتی که تفسیر شده، و ممرماتی که از ارتکاب آن منع گردیده، و نیز به گواهیهای جلوه‌گرش و برهانهای کافیش و فضائل پسندیده‌اش، و (فصتهای بفشیده شده‌اش و قوانین و اجبیش دست یافت.

پس فدای بزرگ ایمان را برای پاک کردن شما از شرک، و نماز را برای پاک نمودن شما از تکبر، و زکات را برای تزکیه نفس و افزایش روزی، و روزه را برای تثبیت افلاص، و حج را برای استمکام دین، و عدالت‌ورزی را برای التیام قلبها، و اطاعت ما فاندان را برای نظم یافتن ملتها، و امامت‌مان را برای (هایی از تفرقه، و جهاد را برای عزت اسلام، و صبر را برای کمک در بدست آوردن پاداش قرار داد.

وَ الدَّهْيَ عَنْ شُرْبِ الْخَمْرِ تَنْزِيهًا عَنِ الرَّجْسِ، وَ اجْتِنَابَ الْقَذْفِ حِجَابًا عَنِ اللَّعْنَةِ، وَ تَرْكَ السَّرْقَةِ اِجَابًا لِلْعِصْمَةِ، وَ حَرَمَ اللَّهُ الشَّرْكَ اِخْلَاصًا لَهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ.

فَاتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ، وَ لَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ، وَ أَطِيعُوا اللَّهَ فِيمَا أَمَرَكُمْ بِهِ وَ نَهَاكُمْ عَنْهُ، فَإِنَّهُ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ.

ثم قالت:

أَيُّهَا النَّاسُ! اَعْلَمُوا أَنِّي فَاطِمَةُ وَ أَبِي مُحَمَّدٌ، أَقُولُ عَوْدًا وَ بَدَاءً، وَ لَا أَقُولُ مَا أَقُولُ غَلَطًا، وَ لَا أَفْعَلُ مَا أَفْعَلُ شَطَطًا، لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ.

فَإِنْ تَعَزَّوْهُ وَ تَعْرِفُوهُ تَجِدُوهُ أَبِي دُونَ نِسَائِكُمْ، وَ أَخَا ابْنِ عَمِّي دُونَ رِجَالِكُمْ، وَ لِنَعْمِ الْمَعْرِي إِلَيْهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ. قَبْلَ الرِّسَالَةِ صَادِعًا بِالنَّذَارَةِ، مَاثِلًا عَنِ مَذْرَجَةِ الْمُشْرِكِينَ، ضَارِبًا تَبْجَهْمَ، اخِذًا بِأَكْطَامِهِمْ، دَاعِيًا إِلَيَّ سَبِيلِ رَبِّي بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، يَجُفُّ الْأَصْنَامُ وَ يَنْكُتُ الْهَامُ، حَتَّى أَنْهَزَمَ الْجَمْعُ وَ لَوَّ الدُّبُرُ.

و امر به معروف را برای مصلحت جامعه، و نیکی به پدر و مادر را برای رهایی از غضب الهی، و صلح ارباب را برای طولانی شدن عمر و افزایش جمعیت، و قصاص را وسیله مفض فونها، و وفای به نذر را برای در معرض مغفرت الهی قرار گرفتن، و دقت در کیل و وزن را برای رفع کم فروشی مقرر فرمود.

و نهی از شرابخواری را برای پاکیزگی از زشتی، و مرمت نسبت ناروا دادن را برای عدم دوری از رحمت الهی، و ترک دزدی را برای پاکدامنی قرار داد، و شرک را مراه کرد تا در یگانه پرستی فالص شوند.

پس آنگونه که شایسته است از فدا بترسید، و از دنیا نروید جز آنکه مسلمان باشید، و فدا را در آنچه بدان امر کرده و از آن بازداشته اطاعت نمائید، همانا که فقط دانشمندان از فاک می ترسند. آنگاه فرمود:

ای مردم! بدانید که من فاطمه و پدرم ممد است، آنچه ابتدا گویم در پایان نیز می گویم، گفتارم غلط نبوده و ظلمی در آن نیست، پیامبری از میان شما برانگیخته شد که زبهای شما بر او گران آمده و دلسوز بر شما است، و بر مؤمنان مهربان و عطف است.

پس اگر او را بشناسید می دانید که او در میان زنان پدر من بوده، و در میان مردان برادر پسر عموی من است، چه نیکو بزرگواری است آنکه من این نسبت را به او دارم.

رسالت خود را با انذار انجام داد، از پرتگاه مشرکان کناره گیری کرده، شمشیر بر فرشتان نواخت، کلویشان را گرفته و با مکت و پند و اندرز نیکو بسوی پروردگارشان دعوت نمود، بتها را نابود سافته، و سر کینه توزان را می شکند، تا جمعشان منزه شده و از میدان گرفتند.

حَتَّى تَقْرَى اللَّيْلُ عَنْ صُبْحِهِ، وَ اسْفَرَ الْحَقُّ عَنْ مَخْصِهِ، وَ نَطَقَ زَعِيمُ الدِّينِ، وَ خَرَسَتْ شَفَاشِقُ الشَّيَاطِينِ، وَ طَاحَ وَ شَيْطُ النِّفَاقِ، وَ انْحَلَّتْ غَمَدُ الْكُفْرِ وَ الشَّقَاقِ، وَ فُهِتُمْ بِكَلِمَةِ الْاِخْلَاصِ فِي نَفَرٍ مِنَ الْبَيْضِ الْخِمَاصِ.

وَ كُنْتُمْ عَلِي شِفَا حُمْرَةٍ مِنَ النَّارِ، مُذَقَّةَ الشَّارِبِ، وَ نُهْزَةَ الطَّامِعِ، وَ قُبْسَةَ الْعَجْلَانِ، وَ مَوْطِيَةَ الْأَقْدَامِ، تَشْرِبُونَ الطَّرْقَ، وَ تَقْتَاتُونَ الْقَدَّ، أَذَلُّهُ حَاسِنِينَ، تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِكُمْ، فَأَنْقَذَكُمُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله بَعْدَ اللَّيْلِ وَ النَّتَى، وَ بَعْدَ أَنْ مَنَى بِهِمُ الرِّجَالُ، وَ دُؤْبَانَ الْعَرَبِ، وَ مَرْدَةَ أَهْلِ الْكِتَابِ.

كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ، أَوْ نَجَّمَ قَرْنُ الشَّيْطَانِ، أَوْ فَعَرَتِ فَاغِرَةٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ، فَذَفَّ آخَاهُ فِي لَهَوَاتِهَا، فَلَا يَنْكَفِي عَنْ حَتَّى يَطَّأَ جَنَاحَهَا بِأَحْمَصِهِ، وَ يَخْمِدَ لَهَا بِسَيْفِهِ، مَكْدُودًا فِي ذَاتِ اللَّهِ، مُجْتَهِدًا فِي أَمْرِ اللَّهِ، قَرِيبًا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ، سَيِّدًا فِي أَوْلِيَاءِ اللَّهِ، مُشْمَرًا نَاصِحًا مُجَدِّدًا كَادِحًا، لَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ.

وَ أَنْتُمْ فِي رِفَاهِيَّةٍ مِنَ الْعَيْشِ، وَ ادْعُونَ فَكِهِونَ آمِنُونَ، تَتَرَبَّصُونَ بِنَا الدَّوَابِرِ، وَ تَتَوَكَّفُونَ الْأَخْبَارَ، وَ تَتَكْصُونَ عِنْدَ النَّزَالِ، وَ تَقْرُونَ مِنَ الْقِتَالِ.

تا آنگاه که صبح روشن از پرده شب برآمد، و حق نقاب از چهره برکشید، زمامدار دین به سفن درآمد، و فریاد شیطانها خاموش گردید، خار نفاق از سر راه برداشته شد، و گره های کفر و تفرقه از هم گشوده گردید، و دهانهای شما به کلمه اخلاص باز شد، در میان گروهی که سپیدرو و شکم به پشت چسبیده بودند.

و شما بر کناره پرتگاهی از آتش قرار داشته، و مانند جریه ای آب بوده و در معرض طمع طمعان قرار داشتید، همچون آتش زنه ای بودید که بلافاصله خاموش می گردید، لگدکوب رندگان بودید، از آبی می نوشیدید که شتران آن را آلوده کرده بودند، و از پوست درختان به عنوان غذا استفاده می کردید، فوار و مطرود بودید، می ترسیدند که مردمانی که در اطراف شما بودند شما را بربایند، تا فدای تعالی بعد از چنین مالاتی شما را بدست آن حضرت نیات داد، بعد از آنکه از دست قدرتمندان و گرگهای عرب و سرکشان اهل کتاب ناراهمتیها کشیدید.

هرگاه آتش جنگ برافروفتند خداوند خاموشش نموده، یا هر هنگام که شیطان سر برآورد یا اژدهائی از مشرکین

دهان بازکرد، پیامبر بردارش را در کاه آن افکند، و او تا زمانی که سرآنان را به زمین نمی‌کوفت و آتش آنها را به آب شمشیرش فاموش نمی‌کرد، باز نمی‌گشت، فرسوده از تلاش در راه خدا، کوشیده در امر او، نزدیک به پیامبر خدا، سروری از اولیاء الهی، دامن به کمر بسته، نصیحت‌گر، تلاشگر، و کوشش‌کننده بود، و در راه خدا از ملامت ملامت‌کننده نمی‌هراسید. و این در هنگامه‌ای بود که شما در آسایش زندگی می‌کردید، در مهد امن متنعم بودید، و در انتظار بسر می‌بردید تا ناراحتی‌ها ما را در بر گیرد، و گوش به زنگ افبار بودید، و هنگام کارزار عقبگرد می‌کردید، و به هنگام نبرد فرار می‌نمودید.

فَلَمَّا اخْتَارَ اللَّهُ لِنَبِيِّهِ دَارَ انبِيَاءِهِ وَ مَاوِي اَصْفِيَاءِهِ، ظَهَرَ فِيكُمْ حَسَكَةُ النَّفَاقِ، وَ سَمَلَ جَلْبَابُ الدِّينِ، وَ نَطَقَ كَاظِمُ الْغَاوِينَ، وَ نَبَعَ حَامِلُ الْاَلْقَائِينَ، وَ هَدَرَ فَنِيْقُ الْمُبْطِلِينَ، فَخَطَرَ فِي عَرَصَاتِكُمْ، وَ اَطَّلَعَ الشَّيْطَانُ رَاسَهُ مِنْ مَغْرَزِهِ، هَاتِفًا بِكُمْ، فَالْفَاكُمُ لِدَعْوَتِهِ مُسْتَجِيبِينَ، وَ لِلْغَرَّةِ فِيهِ مَلَا حِظِينَ، ثُمَّ اسْتَنْهَضَكُمْ فَوَجَدَكُمْ خِفَافًا، وَ اَحْمَشَكُمْ فَالْفَاكُمُ غَضَابًا، فَوَسَمْتُمْ غَيْرَ اِبْلِكُمْ، وَ وَرَدْتُمْ غَيْرَ مَشْرِبِكُمْ.

هَذَا، وَ الْعَهْدُ قَرِيبٌ، وَ الْكَلِمُ رَحِيبٌ، وَ الْجُرْحُ لَمَّا يَنْدَمِلُ، وَ الرَّسُولُ لَمَّا يَقْبِرُ، اِبْتِدَارًا زَعَمْتُمْ خَوْفَ الْفِتْنَةِ، اَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا، وَ اِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيْطَةٌ بِالْكَافِرِيْنَ.

فَهَيْهَاتَ مِنْكُمْ، وَ كَيْفَ بِكُمْ، وَ اَنِّي تُؤْفِكُونَ، وَ كِتَابُ اللَّهِ بَيْنَ اَظْهَرِكُمْ، اُمُورُهُ ظَاهِرَةٌ، وَ اَحْكَامُهُ زَاهِرَةٌ، وَ اَعْلَامُهُ بَاهِرَةٌ، وَ زَوَاجِرُهُ لَانْحَهُ، وَ اَوَامِرُهُ وَاضِحَةٌ، وَ قَدْ خَلَفْتُمُوهُ وَّرَاءَ ظَهْوَرِكُمْ، اُرْغَبُهُ عَنْهُ تُرِيدُونَ؟ اَمْ بَغَيْرِهِ تَحْكُمُونَ؟ بئسَ لِلظَّالِمِيْنَ بَدَلًا، وَ مَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْاِسْلَامِ دِيْنًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ، وَ هُوَ فِي الْاٰخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِيْنَ.

و آنگاه که خداوند برای پیامبرش خانه انبیاء و آرامگاه اصفیاء را برگزید، علائم نفاق در شما ظاهر گشت، و جامه دین کهنه، و سکوت گمراهان شکسته، و پست رتبه‌گان با قدر و منزلت گردیده، و شتر نازپرورده اهل باطل به صدا درآمد، و در خانه‌هایتان پیامد، و شیطان سر خویش را از مخفی‌گاه فود بیرون آورد، و شما را فراخواند، مشاهده کرد پاسفگوی دعوت او هستید، و برای فریب خوردن آماده‌اید، آنگاه از شما فواست که قیام کنید، و مشاهده کرد که به آسانی این کار را انجام می‌دهید، شما را به غضب واداشت، و دید غضبناک هستید، پس بر شتران دیگران نشان زدید، و بر آبی که سهم شما نبود وارد شدید.

این در حالی بود که زمانی نگذشته بود، و موضع شکاف زخم هنوز وسیع بود، و جرات التیام نیافته، و پیامبر به قبر سپرده نشده بود، بهانه آوردید که از فتنه می‌هراسید، آگاه باشید که در فتنه قرار گرفته‌اید، و برآستی جهنم کافران را احاطه نموده است.

این کار از شما بعید بود، و بطور این کار را کردید، به کجا روی می‌آوردید، در حالی که کتاب خدا (روی‌روی شماست، امورش روشن، و امکامش درفشان، و علائم هدایتش ظاهر، و محرّماتش هویدا، و اوامرش واضح است، ولی آن را پشت سر انداختید، آیا بی‌رغبتی به آن را فواهانید؟ یا بغیر قرآن مکم می‌کنید؟ که این برای ظالمان بدل بدی است، و هرکس غیر از اسلام دینی را جویا باشد از او پذیرفته نشده و در آفرت از زیانکاران فواهد بود.

ثُمَّ لَمْ تَلْبَثُوا اِلَى رَيْثِ اَنْ تَسْكُنَ نَفَرَتَهَا، وَ يَسْلَسَ قِيَادَهَا، ثُمَّ اَخَذْتُمْ تُوْرُونَ وَ قَدَتَهَا، وَ تَهَيَّجُونَ جَمْرَتَهَا، وَ تَسْتَجِيبُونَ لِهَتَافِ الشَّيْطَانِ الْغَوِيِّ، وَ اَطْفَاءِ اَنْوَارِ الدِّينِ الْحَلِيِّ، وَ اِهْمَالِ سُنَنِ النَّبِيِّ الصَّفِيِّ، تُسْرُونَ حَسْرًا فِي اِرْتِعَاءِ، وَ تَمْشُونَ لِاَهْلِهِ وَ وَاكِدِهِ فِي الْخَمْرِ وَ الصَّرَاءِ، وَ نَصْبِرُ مِنْكُمْ عَلَيِّ مِثْلَ حَزِّ الْمَدِيِّ، وَ وَخَزِ السَّنَانِ فِي الْحَشَا.

وَ اَنْتُمْ اَلَاَنْ تَرْغَمُونَ اَنْ لَا اِرْثَ لَنَا اَفْحَكُمُ الْجَاهِلِيَّةِ تَبْعُونَ، وَ مَنْ اَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ، اَفَلَا تَعْلَمُونَ؟ بَلِي، قَدْ

تَجَلَّى لَكُمْ كَالشَّمْسِ الضَّاحِيَةِ أَنَّى ابْتَنَتْهُ.

أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ! أَغْلَبُ عَلَيَّ ارْتِي؟ يَا بَنَ أَبِي قُحَافَةَ! أَفَى كِتَابِ اللَّهِ تَرْتُ أَبَاكَ وَ لَا أَرْتُ أَبِي؟ لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا فَرِيًّا، أَفَعَلِي عَمْدٍ تَرَكْتُمْ كِتَابَ اللَّهِ وَ نَبَدْتُمْوهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ، إِذْ يَقُولُ «وَوَرثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ» (1) وَ قَالَ فِيمَا اقْتَصَّ مِنْ خَيْرِ زَكَرِيَّا إِذْ قَالَ: «فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرْتِنِي وَ يَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ»، (2) وَ قَالَ: «وَ اؤْتُوا آلَ الرَّحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَى

آنگاه آنقدر درنگ نکردید که این دل رمیده آرام گیرد، و کشیدن آن سهل گردد، پس آتش‌گیره‌ها را افروخته‌تر کرده، و به آتش دامن زدید تا آن را شعله‌ور سازید، و برای اجابت ندای شیطان، و برای خاموش کردن انوار دین روشن فدا، و از بین بردن سنن پیامبر برگزیده آماده بودید، به بهانه فورتن، کف شیر را زیر لب پنهان می‌فورید، و برای خانواده و فرزندان او در پشت تپه‌ها و درفتان کمین گرفته و راه می‌رفتید، و ما باید بر این امور که همچون فنجبر بزان و فرورفتن نیزه در میان شکم است، صبر کنیم.

و شما اکنون گمان می‌برید که برای ما ارثی نیست، آیا فواهان مکم جاهلیت هستید، و برای اهل یقین چه مکمی بالاتر از مکم فداوند است، آیا نمی‌دانید؟ در حالی که برای شما همانند آفتاب درفشان روشن است، که من دفتر او هستم.

ای مسلمانان! آیا سزاوار است که ارث پدر را از من بگیرند، ای پسر ابی‌قحافه، آیا در کتاب فداست که تو از پدرت ارث ببری و از ارث پدرم مبروم باشم امر تازه و زشتی آوردی، آیا آگاهانه کتاب فدا را ترک کرده و پشت سر می‌اندازید، آیا قرآن نمی‌گویید «سلیمان از داود ارث برد»، و در مورد فیر زکریا آنگاه که گفت: «پروردگار مرا فرزندی عنایت فرما تا از من و فاندان یعقوب ارث برد»، و فرمود: «و فویشتاوندان رممی به یکدیگر سزاوارتر از

بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ»، (3) وَ قَالَ «يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ الْاُنثِيَيْنِ»، (4) وَ قَالَ «إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْاُولَادِ ذَيْنِ وَالْاَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَي الْمُتَّقِينَ». (5)

وَ زَعَمْتُمْ أَن لَّا حَظُّوهُ لِي، وَ لَا أَرِثُ مِنْ أَبِي، وَ لَا رَحِمَ بَيْنَنَا، أَفَخَصَّكُمُ اللَّهُ بِأَبْنِهِ أَخْرَجَ أَبِي مِنْهَا؟ أَمْ هَلْ تَقُولُونَ: إِنَّ أَهْلَ مَلْتَيْنِ لَا يَتَوَارَثَانِ؟ أَوْ لَسْتُ أَنَا وَ أَبِي مِنْ أَهْلِ مَلَّةٍ وَاحِدَةٍ؟ أَمْ أَنْتُمْ أَعْلَمُ بِخُصُوصِ الْقُرْآنِ وَ عُمُومِهِ مِنْ أَبِي وَ ابْنِ عَمِّي؟ فَذُونُكُهَا مَخْطُومَةٌ مَرْحُولَةٌ تَلْفَاكُ يَوْمَ حَشْرِكَ.

فَنَعْمَ الْحَكْمُ لِلَّهِ، وَ الرَّعِيمُ مُحَمَّدًا، وَ الْمَوْعِدُ الْقِيَامَةَ، وَ عِنْدَ السَّاعَةِ يَخْسِرُ الْمُبْطِلُونَ، وَ لَا يَنْفَعُكُمْ إِذْ تَنْدُمُونَ، وَ لِكُلِّ نَبَأٍ مُسْتَفْرَقٍ، وَ لَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ، وَ يَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُقِيمٌ.

ثم رمت بطرفها نحو الانصار، فقالت:

دیگرانند»، و فرموده: «فدای تعالی به شما درباره فرزندان سفارش می‌کند که بهره پسر دو برابر دختر است»، و می‌فرماید: «هنگامی که مرگ یکی از شما فرارسد بر شما نوشته شده که برای پدران و مادران و نزدیکان وصیت کنید، و این مکم مقی است برای پرهیزگاران».

و شما گمان می‌برید که مرا بهره‌ای نبوده و سهمی از ارث پدرم ندارم، آیا فداوند آیه‌ای به شما نازل کرده که پدرم را از آن خارج ساخته؟ یا می‌گوئید: اهل دو دین از یکدیگر ارث نمی‌برند؟ آیا من و پدرم را از اهل یک دین نمی‌دانید؟ یا شما به عام و فاص قرآن از پدر و پسرعمویم آگاه‌ترید؟ اینک این تو و این شتر، شتری مهارزده و رمل نهاده شده، برگیر و ببر، با تو در روز رستافیز ملاقات خواهد کرد.

چه نیک دآوری است فداوند، و نیکو دادفواهی است پیامبر، و چه نیکو وعده‌گاهی است قیامت، و در آن ساعت و آن روز اهل باطل زیان می‌برند، و پیشیمانی به شما سودی نمی‌رساند، و برای هرفبری قرارگاهی است، پس

فواهد دانست که عذاب فوارکننده بر سر چه کسی فرود فواهد آمد، و عذاب جاودانه که را شامل می‌شود. آنگاه رو بسوی انصار کرده و فرمود:

يا مَعْشَرَ النَّبِيِّينَ وَاعْضَادِ الْمَلَأَةِ وَحِصْنَةِ الْأِسْلَامِ! ما هذه الْعَمِيزَةُ فِي حَقِّي وَالسَّنَةُ عَنْ ظِلَامَتِي؟ أما كان رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَبِي يَقُولُ: «الْمَرْءُ يُحْفَظُ فِي وُلْدِهِ»، سِرْعَانِ مَا أَخَذْتُمْ وَعَجَلَانِ ذَا إِهَالَةٍ، وَلَكُمْ طَاقَةٌ بِمَا أَحَاوِلُ، وَقُوَّةٌ عَلَيَّ مَا أَطْلُبُ وَأَزَاوِلُ.

آتَقُولُونَ مَا تَ مُحَمَّدًا؟ فَخَطَبُ جَلِيلٍ اسْتَوْسَعَ وَهْنُهُ، وَاسْتَنْهَرَ فِتْنَةً، وَانْفَتَقَ رَتْفَهُ، وَأُظْلِمَتِ الْأَرْضُ لِعَيْبَتِهِ، وَكُسِفَتِ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَانْتَثَرَتِ النُّجُومُ لِمُصِيبَتِهِ، وَاكْدَتِ الْأَمَالُ، وَخَشَعَتِ الْجِبَالُ، وَأَضِيعَ الْحَرِيمُ، وَأَزِيلَتِ الْحُرْمَةُ عِنْدَ مَمَاتِهِ. فَتَلَكُ وَاللَّهِ النَّازِلَةُ الْكُبْرَى وَالْمُصِيبَةُ الْعُظْمَى، لَا مِثْلَهَا نَازِلَةٌ، وَلَا بَاقِيَةٌ عَاجِلَةٌ أُغْلِنَ بِهَا، كِتَابَ اللَّهِ جَلَّ ثَنَاؤُهُ فِي أَفْتِكُمْ، وَفِي مُسَاكِمِمْ وَمُصْبِحِكُمْ، يَهْتَفُ فِي أَفْتِيكُمُ هُنَافًا وَصُرَاخًا وَتِلَاوَةً وَالْحَانَا، وَكَلْبَةً مَا حَلَّ بِأَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، حُكْمٌ فَضْلٌ وَقَضَاءٌ حَتْمٌ.

«وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَيَّ أَغْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَيَّ عَقْبَيْهِ

ای گروه نقباء، و ای بازوان ملت، ای حافظان اسلام، این ضعف و غفلت در مورد حق من و این سهل‌انگاری از دافواهی من چرا؟ آیا پدرم پیامبر نمی‌فرمود: «مرمت هرکس در فرزندان او مفظ می‌شود»، چه بسرعت مرتکب این اعمال شدید، و چه با عجله این بز لاغر، آب از دهان و دماغ او فروریفت، در صورتی که شما را طاقت و توان بر آنچه در راه آن می‌کوشیم هست، و نیرو برای حمایت من در این مطالبه و قصدم می‌باشد. آیا می‌گوئید محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله بدرود میات گفت، این مصیبتی است بزرگ و در نهایت وسعت، شکاف آن بسیار، و درز دوفته آن شکافته، و زمین در غیاب او سراسر تاریک گردید، و ستارگان بی‌فروغ، و آرزوها به ناامیدی گرائید، کوهها از جای فروریفت، مرمتها پایمال شد، و امترا می برای کسی پس از وفات او باقی نماند. بفا سوگند که این مصیبت بزرگتر و بلیه عظیم‌تر است، که همچون آن مصیبتی نبوده و بلای جانگدازی در این دنیا به پایه آن نمی‌رسد، کتاب فدا آن را آشکار کرده است، کتاب فدایی که در فانه‌هایتان، و در مجالس شبانه و روزانه‌تان، آرام و بلند، و با تلاوت و خوانندگی آن را می‌خوانید، این بلائی است که پیش از این به انبیاء و فرستاده شدگان وارد شده است، محمی است متمی، و قضائی است قطعی، فداوند می‌فرماید: محمد پیامبری است که پیش از وی پیامبران دیگری درگذشتند، پس اگر او بمیرد و یا کشته گردد به عقب برمی‌گردید، و آنکس که به عقب برگردد

فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهُ شَيْئًا وَ سَيَجْزِي اللَّهُ شَيْئًا وَ سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ. (6)

ايها بَنِي قَيْلَةَ! اَهْضَمْتُ تَرَاتِ أَبِي وَ أَنْتُمْ بِمَرَأِي مَنِي وَ مَسْمَعِي وَ مُنْتَدِي وَ مَجْمَعِي، تَلْبَسُكُمْ الدَّعْوَةُ وَ تَشْمَلُكُمْ الْخُبْرَةُ، وَ أَنْتُمْ ذُوو الْعُدَّةِ وَ الْأَدَاءِ وَ الْقُوَّةِ، وَ عِنْدَكُمْ السَّلَاحُ وَ الْجَنَّةُ، تُوَافِقُكُمْ الدَّعْوَةُ فَلَا تُجِيبُونَ، وَ تَأْتِيكُمْ الصَّرْحَةُ فَلَا تُعِشُونَ، وَ أَنْتُمْ مَوْصُوفُونَ بِالْكَفَاحِ، مَعْرُوفُونَ بِالْخَيْرِ وَ الصَّلَاحِ، وَ النُّحْبَةُ الَّتِي انْتَحَبْتُمْ، وَ الْخَيْرَةُ الَّتِي اخْتِيرْتُمْ لَنَا أَهْلَ الْاَيْتِ. قَاتَلْتُمُ الْعَرَبَ، وَ تَحَمَلْتُمُ الْكُدَّ وَ التَّعَبَ، وَ نَاطَحْتُمُ الْأُمَّمَ، وَ كَافَحْتُمُ الْبُهْمَ، لَا تَبْرَحُ أَوْ تَبْرَحُونَ، نَأْمُرُكُمْ فَتَأْتِمُونَ، حَتَّى إِذَا دَارَتْ بِنَا رَحِي الْأِسْلَامِ، وَ دَرَّ حَلْبُ الْأَيَّامِ، وَ خَضَعَتْ نُعْرَةُ الشُّرُوكِ، وَ سَكَنْتْ قَوْرَةُ الْأَفْكَ، وَ خَمَدَتْ نِيرَانُ الْكُفْرِ، وَ هَدَّأَتْ دَعْوَةُ الْهَرَجِ، وَ اسْتَوْسَقَ نِظَامُ الدِّينِ، فَأَنِّي حَزِنْتُ بَعْدَ الْبَيَانِ، وَ اسْرَرْتُ بَعْدَ الْإِعْلَانِ، وَ نَكَصْتُمْ بَعْدَ الْإِقْدَامِ، وَ أَسْرَكْتُمْ بَعْدَ

الأيام؟

بُؤْسًا لِقَوْمٍ نَكثُوا إِيمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ، وَ هُمُؤَا

بفدا زبانی نمی‌رساند، و فدا شکرکنندگان را پاداش فواهد داد.»

ای پسران قیله- گروه انصار- آیا نسبت به میراث پدرم مورد ظلم واقع شوم در حالی که مرا می‌بینید و سمن مرا می‌شنوید، و دارای انجمن و اجتماعید، صدای دعوت مرا همگان شنیده و از مالک آگاهی دارید، و دارای نفرات و ذفیره‌اید، و دارای ابزار و قوه‌اید، نزد شما اسلامه و زره و سپر هست، صدای دعوت من به شما می‌رسد ولی جواب نمی‌دهید، و ناله فریاد فواهم را شنیده ولی به فریاد نمی‌رسید، در حالی که به شجاعت معروف و به فیر و صلاح موصوف می‌باشید، و شما برگزیدگانی بودید که انتصاب شده، و منتفباتی که برای ما اهل بیت برگزیده شدید!

با عرب پیکار کرده و متمم رنج و شدتها شدید، و با امتها رزم نموده و با پهلوانان به نبرد برافستید، همیشه فرمانده بوده و شما فرمانبردار، تا آسیاب اسلام به گردش افتاد، و پستان روزگار به شیر آمد، و نعره‌های شرک آمیز فاموش شده، و دیگ طمع و تهمت از جوش افتاد، و آتش کفر فاموش و دعوت ندای هرچ و مرج آرام گرفت، و نظام دین کاملاً ردیف شد، پس چرا بعد از اقراراتان به ایمان میران شده، و پس از آشکاری خود را مخفی گردانید، و بعد از پیشقدمی عقب نشستید، و بعد ایمان شرک آوردید. وای بر گروهی که بعد از پیمان بستن آن را شکستند، و فواستند پیامبر

بَاخْرَاجِ الرَّسُولِ وَ هُمْ بَدَوْكُمْ أَوْلَ مَرَّةً، اتَّخَشَوْنَهُمْ فَالَلَهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ.
أَلَا، وَ قَدْ أَرَى أَنْ قَدْ أَخْلَدْتُمْ إِلَيَّ الْخَفْضِ، وَ أَبْعَدْتُمْ مَنْ هُوَ أَحَقُّ بِالْبَسْطِ وَ الْقَبْضِ، وَ خَلَوْتُمْ بِالِدَّعَى، وَ نَجَوْتُمْ بِالضِّيقِ مِنْ
السَّعَةِ، فَمَجَّجْتُمْ مَا وَعَبْتُمْ، وَ دَسَعْتُمْ الَّذِي تَسَوَّعْتُمْ، فَإِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً فَإِنَّ اللَّهَ لَعَنَى حَمِيدٌ.
أَلَا، وَ قَدْ قُلْتُ مَا قُلْتُ هَذَا عَلَيَّ مَعْرِفَةً مَنِي بِالْخِذْلَةِ الَّتِي خَاَمَرْتُكُمْ، وَ الْعَذْرَةَ الَّتِي اسْتَشَعَرْتَهَا قُلُوبُكُمْ، وَ لَكِنَّهَا قَيْضَةُ النَّفْسِ،
وَ نَفْثَةُ الْعَيْظِ، وَ حَوَزُ الْقَنَاءِ، وَ بَنَةُ الصُّدْرِ، وَ تَقْدِمَةُ الْحِجَّةِ، فَذُوقُوا مَا فَاحْتَقَبُوهَا دَبْرَةَ الظَّهْرِ، نَقِبَةَ الْخُفِّ، بَاقِيَةَ الْعَارِ،
مَوْسُومَةَ بَعْضِ الْجَبَّارِ وَ سِنَارِ الْأَبَدِ، مَوْصُولَةَ بِنَارِ اللَّهِ الْمُوقَدَةِ الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَيَّ الْأَقْنَدَةَ.
فَبِعَيْنِ اللَّهِ مَا تَفْعَلُونَ، وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ، وَ أَنَا إِنِّي نَذِيرٌ لَكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ، فَاعْمَلُوا أَنَا
عَامِلُونَ، وَ أَنْظِرُوا أَنَا مُنْتَظِرُونَ.
فأجابها أبو بكر عبد الله بن عثمان، و قال:

را افراج کنند، با آنکه آنان جنگ را آغاز نمودند، آیا از آنان هراس دارد در حالی که فدا سزاوار است که از او بهراسید، اگر مؤمنید.

آگاه باشید می‌بینم که به تن آسائی جاودانه دل داده، و کسی را که سزاوار زمامداری بود را دور ساخته‌اید، با رامت طلبی فلوت کرده، و از تنگنای زندگی به فراغی آن رسیده‌اید، در اثر آن آنچه را مفظ کرده بودید را از دهان بیرون ریفتید، و آنچه را فروبرده بودید را بازگرداندند، پس بدانید اگر شما و هرکه در زمین است کافر شوید، فدای بزرگ از همگان بی‌نیاز و ستوده است. آگاه باشید آنچه گفتم با شناخت کامل بود، به سستی پدید آمده در افلاق شما، و بی‌وفائی و نیرنگ ایجاد شده در قلوب شما، و لیکن اینها جوشش دل اندوهگین، و بیرون ریفتن فشم و غضب است، و آنچه قابل تملم نیست، و جوشش سینه‌ام و بیان دلیل و برهان. پس فلافت را بگیرید، ولی بدانید که پشت این شتر فلافت زخم است، و پای آن سوراخ و تاول دار، عار و ننگش باقی و نشان از غضب فدا و ننگ ابدی دارد، و به آتش شعله‌ور فدا که بر قلبها اماطه می‌یابد متصل است. آنچه می‌کنید در برابر چشم بیبای فداوند قرار داشته، و آنانکه ستم کردند به زودی می‌دانند که به کدام بازگشتگاهی بازفواهند گشت، و من

دفتر کسی هستم که شما را از عذاب دردناک الهی که در پیش دارید خبر داد، پس هرچه فواید بکنید و ما هم کار خود را می‌کنیم، و شما منتظر بمانید و ما هم در انتظار بسر می‌بریم.

آنگاه ابوبکر پاسخ داد:

يَا بَنْتَ رَسُولِ اللَّهِ! لَقَدْ كَانَ أَبُوكَ بِالْمُؤْمِنِينَ عَطُوفًا كَرِيمًا، رَوْوْفًا رَحِيمًا، وَعَلَى الْكَافِرِينَ عَذَابًا أَلِيمًا وَعِقَابًا عَظِيمًا، إِنَّ عَزْوَنَاهُ وَجَدْنَاهُ أَبَاكَ دُونَ النَّسَاءِ، وَأَخَا الْفِكَ دُونَ الْأَخِلَاءِ، أَثَرُهُ عَلَى كُلِّ حَمِيمٍ وَسَاعِدُهُ فِي كُلِّ أَمْرٍ جَسِيمٍ، لَا يُجِبُّكُمْ إِلَّا سَعِيدٌ، وَلَا يُبْغِضُكُمْ إِلَّا شَقِيٌّ بَعِيدٌ.

فَأَنْتُمْ عَتْرَةُ رَسُولِ اللَّهِ الطَّيِّبُونَ، الْخَيْرَةُ الْمُنْتَجِبُونَ، عَلَيَّ الْخَيْرِ أَدَلَّتْنَا وَإِلَى الْجَنَّةِ مَسَالِكُنَا، وَأَنْتِ يَا خَيْرَةَ النَّسَاءِ وَإِنَّهُ خَيْرُ الْأَنْبِيَاءِ، صَادِقَةٌ فِي قَوْلِكَ، سَابِقَةٌ فِي وُقُورِ عَقْلِكَ، غَيْرَ مَرْدُودَةٍ عَنْ حَقِّكَ، وَلَا مَصْدُودَةٌ عَنْ صِدْقِكَ. وَاللَّهُ مَا عَدَوْتُ رَأَيْ رَسُولَ اللَّهِ، وَلَا عَمَلْتُ إِلَّا بِأَذْنِهِ، وَالرَّائِدُ لَا يَكْذِبُ أَهْلَهُ، وَإِنِّي أَشْهَدُ اللَّهُ وَكَفِي بِهِ شَهِيدًا، إِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ: «نَحْنُ مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ لَا نُورِثُ ذَهَابًا وَلَا فِضَّةً، وَلَا دَارًا وَلَا عِقَارًا، وَإِنَّمَا نُورِثُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالْعِلْمَ وَالنُّبُوَّةَ، وَمَا كَانَ لَنَا مِنْ طَعْمَةٍ فَلَوْلِي الْأَمْرُ بَعْدَنَا أَنْ يَحْكُمَ فِيهِ بِحُكْمِهِ».

ای دفتر رسول خدا! پدر تو بر مؤمنین مهربان و بزرگوار و رؤوف و رحیم، و بر کافران عذاب دردناک و عقاب بزرگ بود، اگر به نسب او بنگریم وی در میان زنانمان پدر تو، و در میان دوستان برادر شوهر توست، که وی را بر هر دوستی برتری داد، و او نیز در هر کار بزرگی پیامبر را یاری نمود، جز سعادت‌مندان شما را دوست نمی‌دارند، و تنها بدکاران شما را دشمن می‌شمرند.

پس شما خاندان پیامبر، پاکان برگزیدگان جهان بوده، و ما را به فیر راهنما، و بسوی بهشت راهنمون بودید، و تو ای برترین زنان و دفتر برترین پیامبران، در گفتارت صادق، در عقل فراوان پیشقدم بوده، و هرگز از مقت بازداشته نفواهی شد و از گفتار صادق مانعی ایجاد نفواهد گردید.

و بفدا سوگند از رأی پیامبر قدمی فراتر نگذارده، و جز با اجازه او اقدام نکرده‌ام، و پیشرو قوم به آنان دروغ نمی‌گوید، و فدا را گواه می‌گیرم که بهترین گواه است، از پیامبر شنیدم که فرمود: «ما گروه پیامبران دینار و درهم و فانه و مزعه به ارث نمی‌گذاریم، و تنها کتاب و حکمت و علم و نبوت را به ارث می‌نهیم، و آنچه از ما باقی می‌ماند در اختیار ولی امر بعد از ماست، که هر حکمی که بفواهد در آن بنماید.»

وَقَدْ جَعَلْنَا مَا حَاوَلْتَهُ فِي الْكِرَاعِ وَالسَّلَاحِ، يُقَاتِلُ بِهَا الْمُسْلِمُونَ وَيُجَاهِدُونَ الْكُفَّارَ، وَيُجَالِدُونَ الْمَرَدَّةَ الْفُجَّارَ، وَذَلِكَ بِاجْتِمَاعِ الْمُسْلِمِينَ، لَمْ أَنْفِرْ بِهِ وَخَدِي، وَلَمْ أَسْتَبِدْ بِمَا كَانَ الرَّأْيُ عِنْدِي، وَهَذِهِ حَالِي وَمَالِي، هِيَ لَكَ وَبَيْنَ يَدَيْكَ، لَا تَرَوْي عَنْكَ وَلَا نَدَاحُ دُونَكَ، وَأَنْتَ سَيِّدَةُ أُمَّةٍ أَيْبُكَ وَالشَّجَرَةُ الطَّيِّبَةُ لَبْنِيكَ، لَا يُدْفَعُ مَالُكَ مِنْ فَضْلِكَ، وَلَا يُوَضَعُ فِي فَرْعِكَ وَأَصْلِكَ، حُكْمُكَ نَافِذٌ فِيمَا مَلَكَتْ يَدَايَ، فَهَلْ تَرَيْنَ أَنْ أُخَالِفَ فِي ذَاكَ أَبَاكَ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ).

فَقَالَتْ:

سُبْحَانَ اللَّهِ، مَا كَانَ أَبِي رَسُولَ اللَّهِ عَنْ كِتَابِ اللَّهِ صَادِقًا، وَلَا لِأَحْكَامِهِ مُخَالِفًا، بَلْ كَانَ يَتَّبِعُ أَثَرَهُ، وَيَقْفُو سُورَهُ، أَتَجْمَعُونَ إِلَيَّ الْغَدْرَ اغْتِلَالًا عَلَيْهِ بِالزُّورِ، وَهَذَا بَعْدَ وَفَاتِهِ شَبِيهٌ بِمَا بَعِيَ لَهُ مِنَ الْغَوَائِلِ فِي حَيَاتِهِ، هَذَا كِتَابُ اللَّهِ حُكْمًا عَدْلًا وَنَاطِقًا فَصَلًا، يَقُولُ: «بِرِثْنِي وَبِرِثْنِي مِنَ الْيَعْقُوبِ»، وَيَقُولُ: «وَوَرِثَ سُلَيْمَانَ دَاوُدَ».

و ما آنچه را که می‌فواهی در راه فرید اسب و اسلمه قرار دادیم، تا مسلمانان با آن کارزار کرده و با کفار جهاد نموده و با سرکشان بدکار جدال کنند، و این تصمیم به اتفاق تمام مسلمانان بود، و تنها دست به این کار نزد،

و در رأی و نظره مستبدانه عمل ننموده، و این مال من و این اموال من است که برای تو و در اختیار توست، و از تو دریغ نمی‌شود و برای فرد دیگری ذفیره نشده، تویی سرور بانوان امت پدرت، و درفت بارور و پاک برای فرزندان، فضائل انکار نشده، و از شافه و ساقهات فرونهاده نمی‌گردد، مُکمت در آنچه من مالک آن هستم نافذ است، آیا می‌پسندی که در این زمینه مخالف سفن پدرت عمل کنم.

حضرت فاطمه علیها السلام فرمود:

پاک و منزله است خداوند، پدرم پیامبر، از کتاب فدا روی‌گردان و با احکامش مخالف نبود، بلکه پیرو آن بود و به آیات آن عمل می‌نمود، آیا می‌فواهد علاوه بر نیرنگ و مکر به زور او را متهم نمائید، و این کار بعد از رحلت او شبیه است به دامهائی که در زمان میاتش برایش گسترده شد، این کتاب فداست که ماکمی است عادل، و ناطقی است که بین حق و باطل جدائی می‌اندازد، و می‌فرماید: - (زکریا گفت: فدایا فرزندی به من بده که- «از من و فاندان یعقوب ارث ببرد»، و می‌فرماید: «سلیمان از داود ارث برد».

بَيْنَ عَزٍّ وَجَلٍّ فِيمَا وَرَعَ مِنَ الْأَقْسَاطِ، وَ شَرَعَ مِنَ الْفَرَائِضِ وَالْمِيرَاثِ، وَ أَبَاحَ مِنْ حَظِّ الذَّكْرَانِ وَالْأُنَاثِ، مَا أَزَاحَ بِهِ عَلَةَ الْمُطْبِطِينَ وَ أزالَ التَّنْظِيَّ وَ الشُّبُهَاتِ فِي الْغَابِرِينَ، كَلَّا بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْراً، فَصَبِرْ جَمِيلاً وَ اللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَيَّ مَا تَصِفُونَ.

فقال أبو بكر:

صَدَقَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ صَدَقَتْ إِبْنَتُهُ، مَعَدِنُ الْحِكْمَةِ، وَ مَوْطِنُ الْهُدَى وَ الرَّحْمَةُ، وَ رُكْنُ الدِّينِ، وَ عَيْنُ الْحُجَّةِ، لَا أَبْعُدُ صَوَابَكَ وَ لَا أَنْكُرُ خَطَابَكَ، هُوَ لَاءَ الْمُسْلِمُونَ بَيْنِي وَ بَيْنَكَ قَلْدُونِي مَا تَقَلَّدْتُ، وَ بَاتَّفَاقٍ مِنْهُمْ أَخَذْتُ مَا أَخَذْتُ، غَيْرَ مَكَابِرٍ وَ لَا مُسْتَبِدِّ وَ لَا مُسْتَأْتِرٍ، وَ هُمْ بِذَلِكَ شُهُودٌ. فالتفت فاطمة عليها السلام الي النساء، و قالت:

مَعَاشِرَ الْمُسْلِمِينَ الْمُسْرِعَةَ إِلَيَّ قِيلِ الْبَاطِلِ، الْمُغْضِيَةَ عَلَيَّ الْفِعْلِ الْقَبِيحِ الْخَاسِرِ، أَفَلَا تَتَذَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَيَّ قُلُوبِ أَفْقَالِهَا، كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَيَّ قُلُوبِكُمْ مَا أَسَأْتُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ، فَأَخَذَ بِسَمْعِكُمْ وَ أَبْصَارِكُمْ، وَ لَبِئْسَ مَا تَأْوَلْتُمْ،

و خداوند در سهمیه‌هائی که مقرر کرد، و مقادیری که در ارث تعیین فرمود، و بهره‌هائی که برای مردان و زنان قرار داد، توضیحات کافی داده، که بهانه‌های اهل باطل، و گمانها و شبهات را تا روز قیامت زائل فرموده است، نه چنین است، بلکه هواهای نفسانی شما راهی را پیش پایتان قرار داده، و جز صبر زیبا (پارهای ندارم)، و خداوند در آنچه می‌کنید یاور ماست.

ابوبکر گفت:

فدا و پیامبرش راست گفته، و دفتر او نیز، که معدن حکمت و جایگاه هدایت و رحمت، و رکن دین و سرپوشه محبت و دلیل می‌باشد و راست می‌گوید، سفن مقّت را دور نیفتانده و گفتارت را انکار نمی‌کنم، این مسلمانان بین من و تو ماکم هستند، و آنان این حکومت را بمن سپردند، و به تصمیم آنها این منصب را پذیرفتم، نه متکبر بوده و نه مستبد به رأی هستم، و نه چیزی را برای خود برداشته‌ام، و اینان همگی گواه و شاهدند. آنگاه حضرت فاطمه علیها السلام رو به مردم کرده و فرمود:

ای مسلمانان! که برای شنیدن مرفه‌های بیهوده شتابان بوده، و کردار زشت را نادیده می‌گیرید، آیا در قرآن نمی‌اندیشید، یا بر دلها مهر زده شده است، نه چنین است بلکه اعمال زشتتان بر دلهایتان تیرگی آورده، و گوشها و چشمانتان را فراگرفته، و بسیار بد آیات قرآن را تأویل کرده، و بد راهی را به او

وَسَاءَ مَا بِهِ أَسْرَثْتُمْ، وَشَرَّ مَا مِنْهُ اعْتَصَمْتُمْ، لَتَجِدَنَّ وَاللَّهِ مَحْمَلَةَ نَقِيلاً، وَغَبَّهُ وَبِيلاً، إِذَا كُشِفَ لَكُمْ الْعِطَاءُ، وَبَانَ مَا وَرَاءَهُ
الضَّرَاءُ، وَبَدَا لَكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَحْتَسِبُونَ، وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ.

ثم عطف علي قبر النبي صلي الله عليه و آله، و قالت:

قَدْ كَانَ بَعْدَكَ أَنْبَاءٌ وَهَبْتَهُ - لَوْ كُنْتَ شَاهِدَهَا لَمْ تَكْثِرِ الْخُطْبُ
أَنَا فَقَدْ نَاكَ فَقَدْ الْأَرْضِ وَابِلَهَا - وَاحْتَلَّ قَوْمُكَ فَاشْهَدَهُمْ وَلَا تَعْبُ
وَ كُلُّ أَهْلٍ لَهُ قُرْبَى وَ مَنْزِلَةٌ - عِنْدَ اللَّهِ عَلَى الْأَذْيَانِ مُقْتَرِبُ
أَبَدْتُ رِجَالَ لَنَا نَجْوَى صُدُورِهِمْ - لَمَّا مَضَيْتَ وَ حَالَتْ ذُونُكَ التُّرْبُ
تَجَهَّمْتَنَا رِجَالَ وَ اسْتُخِفَّ بِنَا - لَمَّا فُقِدْتَ وَ كُلُّ الْأَرْضِ مُعْتَصَبُ
وَ كُنْتُ بَدْرًا وَ نُورًا يُسْتَضَاءُ بِهِ - عَلَيْكَ تَنْزِلُ مِنْ ذِي الْعِزَّةِ الْكُتُبُ

نشان داده، و با بدپیژی معاوضه نمودید، بفدا سوگند تممّل این بار برایتان سنگین، و عاقبتش پر از وزر و وبال
است، آنگاه که پرده‌ها کنار رود و زیانهای آن روشن گردد، و آنچه را که مساب نمی‌کردید و برای شما آشکار
گردد، آنجاست که اهل باطل زیانکار گردند.

سپس آن مضرت رو به سوی قبر پیامبر کرد و فرمود:

بعد از تو فبرها و مسائلی پیش آمد، که اگر بودی آنپنان بزرگ جلوه نمی‌کرد.

ما تو را از دست دادیم مانند سرزمینی که از باران محروم گردد، و قوم تو متفرّق شدند، بیا بنگر که چگونه از راه
منصرف گردیدند.

هر فاندانی که نزد خدا منزلت و مقامی داشت نزد بیگانگان نیز ممتزم بود، غیر از ما.

مردانی چند از امت تو همین که رفتی، و پرده فاک میان ما و تو مائل شد، اسرار سینه‌ها را آشکار کردند.

بعد از تو مردانی دیگر از ما روی برگردانده و ففیفمان نمودند، و میراثمان دزدیده شد.

تو ماه شب چهارده و چراغ نوربفتشی بودی، که از جانب خداوند بر تو کتابها نازل می‌گردید.

وَ كَانَ جِبْرِيلُ بِالْأَيَاتِ يُؤَنِّسُنَا - فَقَدْ فُقِدْتَ وَ كُلُّ الْخَيْرِ مُحْتَجَبُ
فَلَيْتَ قَبْلَكَ كَانَ الْمَوْتُ صَادِقُنَا - لَمَّا مَضَيْتَ وَ حَالَتْ ذُونُكَ الْكُتُبُ

ثم انكفأت عليها السلام و امير المؤمنين عليه السلام يتوقع رجوعها اليه و يتطلع طلوعها عليه، فلما استقرت بها الدار، قالت
لامير المؤمنين عليهما السلام:

يَا بِنُ أَبِي طَالِبٍ! اشْتَمَلَتْ شَمْلَةَ الْجَنِينِ، وَ قَعَدَتْ حُجْرَةَ الطَّنِينِ، نَفَضْتَ قَادِمَةَ الْأَجْدَلِ، فَخَانَكَ رِيشُ الْأَعْزَلِ.
هَذَا ابْنُ أَبِي قُحَافَةَ يَبْتَرِزُنِي نَخْلَةَ أَبِي وَ بُلْغَةَ ابْنِي! لَقَدْ أَجْهَرَ فِي خِصَامِي وَ الْفَيْتَةُ الدَّ فِي كَلَامِي حَتَّى حَبَسْتَنِي قَيْلَهُ نَصْرَهَا وَ
الْمُهَاجِرَةَ وَصَلَهَا، وَ غَضَّتْ الْجَمَاعَةُ دُونِي طَرْفَهَا، فَلَا دَافِعَ وَ لَا مَانِعَ، خَرَجْتُ كَاطِمَةً، وَ عُذْتُ رَاغِمَةً.
أَصْرَعْتَ خَدَّكَ يَوْمَ أَضَعْتَ خَدَّكَ، أَفْتَرَسْتَ الذَّنَابَ وَ أَفْتَرَسْتَ التُّرَابَ، مَا كَفَفْتَ قَانِلًا وَ لَا أَعْنَيْتَ بَاطِلًا وَ لَا خِيَارَ لِي،
لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هِنَيْتِي وَ دُونَ ذَلَّتِي، عَذِيرِي اللَّهُ مِنْكَ عَادِيًا وَ مِنْكَ حَامِيًا.

جبرئیل با آیات الهی مونس ما بود، و بعد از تو تمام فبرها پوشیده شد.

ای کاش پیش از تو مرده بودیم، آنگاه که رفتی و فاک ترا در زیر خود پنهان کرد.

آنگاه مضرت فاطمه علیها السلام به فانه بازگشت و مضرت علی علیه السلام در انتظار او بسر برده و منتظر طلوع

آفتاب جملش بود، وقتی در فانه آرام گرفت به مضرت علی علیه السلام فرمود:

ای پسر ابوطالب! همانند جنین در شکم مادر پرده‌نشین شده، و در فانه اتهام به زمین نشسته‌ای، شاه‌پره‌ای شاهین را شکسته، و مال آنکه پره‌های کوچک هم در پرواز به تو فیانت فواهد کرد. این پسر ابی‌قماقه است که هدیه پدرم و مایه زندگی دو پسر را از من گرفته است، با کمال وضوح با من دشمنی کرد، و من او را در سفن گفتن با فود بسیار لجاجت و کینه‌توز دیدم، تا آنکه انصار ممالیکتشان را از من باز داشته، و مهاجران یاریشان را از من دریغ نمودند، و مردم از یاریم چشم‌پوشی کردند، نه مدافعی دارم و نه کسی که مانع از کردار آنان گردد، در مالی که فشمم را فرورده بودم از فانه خارج شدم و بدون نتیجه بازگشتم.

آنروز که شمشیرت را بر زمین نهادی همان روز فویشتن را فانه‌نشین نمودی، تو شیرمردی بودی که گرگان را می‌کشتی، و امروز بر روی زمین آرمیده‌ای، گوینده‌ای را از من دفع نکرده، و باطلی را از من دور نمی‌گردانی، و من از فود افتیاری ندارم، ای کاش قبل از این کار و قبل از اینکه این چنین فوار شوم مرده بودم، از اینکه اینگونه سفن می‌گویم فداوندا عذر می‌فواهم، و یاری و کمک از جانب توست.

وَبَلَايَ فِي كُلِّ شَارِقٍ، وَبَلَايَ فِي كُلِّ غَارِبٍ، مَاتَ الْعَمَدُ وَوَهَنَ الْعَضُدُ، شَكَوَايَ إِلَيَّ أَبِي وَعَدُوَايَ إِلَيَّ رَبِّي، اللَّهُمَّ أَنْتَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَحَوْلًا، وَأَشَدُّ بَأْسًا وَتَنْكِيلًا.

فقال امير المؤمنين عليه السلام:

لا وَيْلَ لَكَ، بَلِ الْوَيْلُ لِشَانِكَ، نَهْنَهِيَ عَنْ وُجْدِكَ، يَا ابْنَ الصَّفْوَةِ وَبَقِيَّةِ النُّبُوَّةِ، فَمَا وَتَيْتُ عَنْ دِينِي، وَ لَا أَخْطَأْتُ مَقْدُورِي، فَإِنَّ كُنْتُ تُرِيدِينَ الْبُلْغَةَ فَرَزُقَكَ مَضْمُونًا، وَ كَفَيْلِكَ مَأْمُونًا، وَ مَا أَعَدَّ لَكَ أَفْضَلَ مِمَّا قَطَعَ عَنْكَ، فَاحْتَسِبِي اللَّهَ. فقالت: حَسْبِيَ اللَّهُ، وَ أَمْسَكَت.

از این پس های بر من در هر صبح و شام، پناهم از دنیا رفت، و بازویم سست شد، شکایتم بسوی پدرم بوده و از فدا یاری می‌فواهم، پروردگارا نیرو و توانت از آنان بیشتر، و عذاب و عقابت دردناکتر است. مضرت علی‌الیه‌السلام فرمود: شایسته تو نیست که های بر من بگوئی، بلکه سزاوار دشمن ستمگر توست، ای دفتر برگزیده فدا و ای باقیمانده نبوت، از اندوه و غضب دست بردار، من در دینم سست نشده و از آنچه در مدد توانم است مضائقه نمی‌کنم، اگر تو برای گذران روزیت ناراحتی، بدانکه روزی تو نزد فدا ضمانت شده و کفیل تو امین است، و آنچه برایت آماده شده از آنچه از تو گرفته شده بهتر است، پس برای فدا صبر کن. مضرت فاطمه علیها‌السلام فرمود: فدا مرا کافی است، آنگاه ساکت شد.

- 1- النمل: 16
- 2- مريم: 6
- 3- الاحزاب: 6
- 4- النساء: 11
- 5- البقرة: 180
- 6- آل عمران: 144